■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۶۹ ■ یکشنبه ■ ۱۳ آذر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۵ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ | اذان صبح فردا ۵/۳۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۹

سخن روز

حضرت محمد(ص):
نزدیک‌ترین شما به من در قیامت، راستگوترین، امانتدارترین، وفادارترین به عهد، خوش اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است.
بحارالأنوار، ج ۷۲، ص۹۴

هنرمند با دستمزد ۶ میلیاردی درباره تعطیلی تئاتر اظهارنظر نکند!

داوود فتحعلی بیگی: چرا در این وضعیت می‌گویند تئاتر باید تعطیل شود، مگر کار فرهنگ تعطیل‌بردار است؟ کسی که برای یک سریال ۶ میلیارد تومان دستمزد می‌گیرد که نمی‌تواند درباره کار کردن یا نکردن بدنه ضعیف تئاتر حرفی بزند. چنین کسی تا آخر عمرش اگر کار هم نکند، با همان سود بانکی پولش می‌تواند زندگی کند ولی بچه‌های تئاتری که دستمزدی ناچیز دارند، چرا باید از همان هم محروم شوند. در حال حاضر همه مشاغل به کار و فعالیت خود ادامه می‌دهند و بی‌انصافی است که فقط جامعه تئاتری از کار و کسب درآمد محروم باشد، آن هم بچه‌هایی که عموماً درآمدهای پایینی دارند و مشکل اجاره خانه و هزار مسأله دیگر دارند. اگر خواهان اصلاح جامعه خود هستیم، باید از خودمان شروع کنیم، بهترین راه اعتراض، این است که دروغ نگوییم و از تقلب دوری کنیم. مبارزه با دروغ‌گویی یعنی مبارزه اجتماعی. اگر نسبت به ناراستی و نادرستی بعضی مسئولان معترضیم، باید خودمان در وهله اول درستکار باشیم.

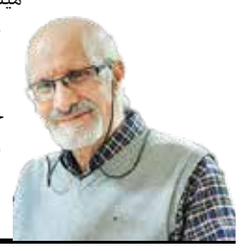

از صحبت‌های این کارگردان و مدرس تئاتر با ایسنا

صبح یکی از روزهای آوریل که هیچ تفاوتی با روزهای دیگر نداشت ناگهان به‌چیزی پی بردم. من با ریسک هدر دادن زندگی‌ام روبه‌رو بودم. متوجه شدم که روزها یکی پس از دیگری می‌گذرد. از خودم پرسیدم: من از زندگی چه می‌خواهم؟ خب، می‌خواهم شاد باشم. اما هرگز به اینکه چه چیزی مرا خوشحال می‌کرد فکر نکرده بودم. من افسرده یا گرفتار بحران میانسالی نبودم اما از دل مردگی رنج می‌بردم.

پروژه شادی/ گرچین رابین

پولش رو به ما نمیدن ولی سودش می‌تونه به ما برسه!

یادداشت

نفیسه سادات موسوی
شاعر و نویسنده

فرقی نمی‌کند چندساله باشید و اولین‌بار سر تماشای کدام بازی فوتبال، ملی یا باشگاهی، استرس و هیجان وجودتان را پر کرده باشد؛ اما به هر حال حتماً حداقل یک‌بار این جمله (یا جمله‌ای با همین مضمون) را از پدر و مادرتان شنیده‌اید که: «پولش رو اینا می‌گیرن، حرصش رو تو می‌خوری؟» تازه اگر تذکرات عمیق‌تری را به پیوست این جمله سمت‌مان حواله نکرده باشند! دروغ هم نمی‌گفتند‌ها! این دقیقاً اتفاقی است که در مستطیل سبز فوتبال می‌افتد؛ پولی که آنها می‌گیرند و خطر سنکوپ که ما را تهدید می‌کند، اما من پیشنهاد بهتری برای شما دارم. شما، یعنی همه آنهایی که در نوجوانی خود با چنین توپ و تشری مواجه شده‌اند و وسط آن استرس و هیجان نفسگیر بازی، یک‌دور هم از این نصیحت «رو مخ» حرص خورده‌اند و لب گزیده‌اند که مبادا دهان باز کنند به گستاخی که ولمان کنید و بگذارید همین یک دلخوشی برایمان بماند!

این روزها که گجت‌ها جوری وارد خانه‌های ما شده‌اند که بچه‌ها بویژه نوجوان‌ها بیشتر از دیدن روی ماه پدر و مادر و خواهر و برادر (البته اگر داشته باشند!)، روی پیکسل پیکسل آن گجت‌ها می‌بینند و بعد از پشت‌سر گذاشتن دو سال تعطیلات کرونایی و دایر شدن مدارس به شکل برخط، بهانه‌هایی از جنس «خواندن جزوه‌های درسی» و «رد و بدل کردن نمونه سؤال امتحانی» در اختیارشان است، به این راحتی‌ها جمع و گعده‌های خانوادگی در خانه‌ها شکل نمی‌گیرد و رفته رفته مسأله‌ای به نام گفت‌وگو درون خانه‌ها و بین اعضای خانواده دارد به فراموشی سپرده می‌شود، پس هر چیزی را که بتواند دستاویزی برای شکل گرفتن گفت‌وگوی بین نسل‌ها باشد باید غنیمت شمرد و فوتبال، آن‌هم فوتبال جام‌جهانی که قوی‌ترین تیم‌ها در یک زمان فشرده چندین‌بار به میدان می‌روند و هیجانی که بالا می‌رود، فرصت پایین آمدن پیدا نمی‌کند، یکی از بهترین دستاویزها است.

قبل از اینکه با من مخالفت کنید و فهرست کارهای مفیدتری را که می‌توان با نوجوان‌ها انجام داد و در خلال آنها عملیات گفت‌وگو را کلید زد ردیف کنید، اجازه بدهید کمی ماجرا را برایتان شرح بدهم. فوتبال به خودی خود مورد توجه نوجوان‌های زیادی در سرتاسر جهان است. به این دلیل که مهم نیست کشورتان آسیایی باشد یا اروپایی، صنعتی باشد یا در حال مدرن شدن، فقیر باشد یا غنی، تحریم‌کننده باشد یا مورد تحریم واقع شده باشد، همه و همه ۹۰ دقیقه فرصت دارند با ۱۱ بازیکن نتیجه تلاش‌شان را بگیرند. همین قرار گرفتن در رویدادی که (فارغ از مسائل پشت پرده قبل از برگزاری‌اش) همه در زمین حرف‌شان را می‌زنند برای نوجوان جذاب است، دیگر وقتی کشورمان در این رویداد نماینده هم داشته باشد که نورعلی نور است. شما هم لازم نیست حتماً فوتبالی باشید تا باب گفت‌وگو باز شود، پدر و مادر بودن برای شروع این فرایند کافی است.

از سؤالات خنده‌داری مثل اینکه چرا لباس تیم حریف از ما خوشرنگ‌تر است تا سؤالات جدی‌تری مانند چرا گل قبول نشد؟ و این نتیجه باعث حذف یا صعود کدام تیم می‌شود، گرفته تا نشستن پای تحلیل‌های احتمالی‌شان درباره وضعیت گروه‌ها و تیم‌ها (حتی در عین متوجه نشدن اهمیت مسأله یا متوجه درست و غلط تحلیل نشدن) و مشتاقانه سؤال کردن از پیش‌بینی‌شان نسبت به بقیه اتفاقات این رویداد. با این کار در واقع با یک تیر چند نشان زده‌اید؛ هم با فرزند خود وقت گذرانده‌اید و ذهنیت افراطی نوجوانانه‌ای که می‌گوید شما مرا درک نمی‌کنید و چیزهایی را که من دوست دارم برای شما بی‌اهمیت است در ذهن او کمرنگ کرده‌اید، هم با پرسیدن سؤالات ساده و شاید بدیهی برای او، به وی اعتمادبه‌نفس هدیه کرده‌اید و هم با نشستن پای صحبت‌های تحلیلی و حاشیه‌ای او از این رویداد، به او جرأت سخن گفتن و ابراز وجود و اظهارنظر بخشیده‌اید و ریشه‌های حس خجالتی بودن و سکوت در جمع‌ها را حتی وقتی حرفی برای گفتن دارند، در قلبش خشکانده‌اید.

جام‌جهانی با تمام بالا و پایین‌هایش تمام می‌شود و تجربه یک ماه فوتبال دیدن مداوم هیجانی هم تا مدتی تکرار نمی‌شود، اما سودی که شما از این یک ماه برده‌اید تا مدت‌ها پیامد مثبتش را در گرمای کانون خانواده نشان خواهد داد، گرچه همچنان پولش را بازیکنان می‌گیرند، نه فرزند شما.

در ستایش واقعیت

یادداشت

محمد احسان مفیدی‌کیا
منتقد سینما

از همان هنگام که برادران لومیر، تولید تصویر متحرک را اختراع کردند، تهیه فیلم‌های مستند هم آغاز شد. فیلم‌های خانوادگی لومیرها را می‌توان از اولین مستندها دانست و با توجه به اینکه سوژه فیلم، که دختر کوچک لوئیس لومیر باشد، بعدتر در اثر آنفلوانزای اسپانیایی جان سپرد، از قضا نماهای تراژیک و تأثیرگذاری هم از کار درآمد. از این‌رو به جرأت می‌توان گفت که پیشینه فیلم مستند دقیقاً هم‌سن با عمر سینماست.

نیک می‌دانیم که فیلم‌های مستند در تعریف خود مؤلفه‌هایی دارند که به واسطه آنها از سایر گونه‌های فیلم، متفاوت می‌شوند؛ «نمایش هنرمندانه واقعیت»، «بازتعریف خلاق واقعیت»، «میل به مشاهده و تفسیر جهان واقع» و بسیاری تعاریف دیگر که بالطبع هیچ‌کدام جامع و مانع نیستند، با این حال هر یک وجهی از کارکرد و اهمیت آن را نشان می‌دهند. در همه این تعاریف، عنصر مشترک، واقعیت یا امر واقع است و توجه ویژه ما نیز بر همین مفهوم است.

واقعیت عنصر کمیابی است، آن، درک منِ شناسنده از جهان خارج است و این ادراک به واسطه عوامل ارتباطی ساخته می‌شود. از آنجا که فیلم مستند ادعای نمایش واقعیت را دارد، می‌تواند یکی از این عوامل باشد. حال اگر آحاد جامعه را که همان من‌های شناسنده باشند، منبع انرژی به هم پیوسته بدانیم، متصور است که در اثر شناخت، دست به عمل بزنند و حرکتی اجتماعی پدید آورند. این را می‌توان یکی از بنیادی‌ترین کارکردهای فیلم مستند دانست و اهمیت مبنایی آن را در آگاهی‌بخشی منجر به عمل دید.

با وجود این، فیلم‌های مستند هم با دیگر گونه‌های فیلم، جنبه‌های مشترکی مثل سرگرم‌کنندگی دارند و اگر خوب بتوانند از عهده این وظیفه برآیند، بخشی از کارکرد ذاتی خود را انجام داده‌اند که به نوبه خود امری مهم است و چرخه اقتصادی تولید تا ارائه اثر را تکمیل می‌کند.

مخاطب پیگیر فیلم مستند می‌داند که یکی از بهترین راه‌های دسترسی به آثار باکیفیت و به‌روز، جشنواره‌های شاخص و جدی است؛ جشنواره‌هایی که ویترین سینمای مستند شناخته می‌شوند و به‌عنوان یک سامانه زنده و پیچیده، با برقراری ارتباط درست بین آثار و مخاطبان ضامن بقا و پایداری فرایند تولید مستندهای خاص و شاخص هستند.

طبعاً اهمیت جشنواره‌های فیلم مستند، دایر بر مسأله بلیت فروشی و سودآوری نیست، بلکه ارزش گذاشتن به تلاش مستندساز و ارج نهادن به اثر اوست که این رخداد فرهنگی را مهم می‌کند. از همین روست که باید در انتخاب فیلم‌هایی که در جشنواره‌ها به نمایش در می‌آیند دقت و وسواس بیشتری به خرج داد، چه اینکه از این بابت، هیأت انتخاب بر داوران بخش جوایز ارجحیت دارند، چون جایزه برای چند فیلم محدود است و به هر روی به معیارهای زیادی بستگی دارد، اما فرصت دیده شدن برای مستندساز از هر جایزه‌ای باارزش‌تر است و چه بسا، فیلم‌های منتخبی که اجازه اکران پیدا می‌کنند خود را برنده بدانند و باقی را به مخاطب آثار بسپارند. اهمیت دیگر جشنواره‌ها که در عین حال می‌تواند نقطه ضعف هم باشد، تولید فرهنگ خاص هر جشنواره است که منجر به هدایت سلایق مستندسازها به یک کانال خاص شده و تمایل ایشان را به سوژه‌ها یا فرم‌های خاص، برای توفیق یافتن در چشم داوران، باعث شود. از این‌رو سیاستگذاری درست در پذیرش، برگزاری، انتخاب و داوری آثار می‌تواند عامل مؤثر در افزایش چشمگیر سطح کیفی آثار سینمایی جامعه هدف هر جشنواره باشد.

جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، سینما حقیقت، اکنون در آذر ماه ۱۴۰۱ خود را در ایستگاه شانزدهم می‌بیند و این در حالی است که پس از کسب تجارب ارزنده دوره‌های پیشین، بحق مهم‌ترین رویداد سینمای مستند در منطقه غرب آسیا است. این جشنواره از سال ۱۳۸۶ تاکنون، ضمن ایجاد بستری برای بازنمایی هنری فرهنگ، تاریخ و هویت اصیل ایرانی و اسلامی، توانسته توجه مستندسازان بین‌المللی را به خود جلب کند و هر ساله میزبان تعداد زیادی از آثار فیلمسازان از کشورهای مختلف جهان و استادان برتر سینمای مستند، در کارگاه‌های علمی مجازی و حضوری باشد.

امید است جشنواره شانزدهم به خوبی از عهده مخاطبان سخت‌پسند خود برآید و آنها را راضی از سالن سینما بدرقه کند.

رهایی عاشقانه‌ها از قفس قجر

پیشنهاد

جبار آذین
منتقد سینما

قصه‌ها و افسانه‌های شورانگیز عاشقانه، همیشه و همه جا جذاب و دلنشین‌اند و به‌دلیل تنیده شدن سرشت و سرنوشت انسان ها باعشق و دلدادگی، جاودانه هستند. داستان‌های عاشقانه به زمان و مکان و انسان‌های خاص محدود نیستند و عشق‌های زمینی و آسمانی و انسانی و الهی، به شکل‌ها و شیوه‌ها و کامروایی‌ها و ناکامی‌ها، از ازل تا ابد ادامه دارند و با ما و زندگی ما عجین شده‌اند.

جهان غنی ادبیات و هنر ایران زمین و زندگی‌های پر فراز و فرود انسان معاصر و ایرانیان شاعر، عاطفی و عاشق پیشه، مملو از شیرین و فرهادها و لیلی و مجنون‌ها است و دامنه روایت و پردازش آنها در قالب هنر و تصویر، از داستان و نمایش تا فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی گسترده است. این نوع آثار، مخاطبان انبوه از نسل‌های گوناگون دارند و بخشی از جذاب‌ترین و ماناترین آثار ادبی و هنری، سینمایی و تلویزیونی را شکل داده‌اند.

تلویزیون ایران هم به‌دلیل استقبال عمومی از درام‌ها و ملودرام‌های عاشقانه، یکی از برنامه‌های ثابت خود در حوزه سریال‌سازی را به تولید انواع عاشقانه‌ها اختصاص داده و قوی و غنی و متوسط و ضعیف از منظر مضمون و محتوا و ساختار هنری به این مهم می‌پردازد. تازه‌ترین محصول عاشقانه تلویزیون، یک عاشقانه دلپذیر به نام «گیلدخت» است. سریالی که دلدادگی‌های گلنار و اسماعیل و داستان خود را با تمام ویژگی‌های مثبت، مانند برخی دیگر از این قبیل تولیدات در یک ظرف و فضای کلیشه‌ای به نام دوران قجر بازگو می‌کند. اگر ماجراهای شیدایان این سریال را به‌دلیل نوع نگاه و پردازش موضوعی و داستانی و ساختار هنری، تا حدی از دیگر آثار مشابه متفاوت بدانیم و گرچه فرم و محتوای آن از

نظر هنری ناهمخوان نیست، اما به علت استفاده مکرر از زمانه سیاه قجر که در تاریخ ایران، نازیبا است، برای طرح قصه‌های عاشقانه، نو و نوآور نبوده و نظر مساعد مخاطب نسبت به «گیلدخت» را خدشه‌دار می‌کند. این در حالی است که دوره‌های مختلف تاریخ کهن و ایران معاصر و زندگی‌های امروز، سرشار از عاشقانه‌های تلخ و شیرین است و می‌توان از آنها برای طراحی و اجرای آثار جذاب عاشقانه در هنر و سینما و تلویزیون بهره برد و از سر مرگ عشاق و میل قهوه قجری دست کشید. استفاده از فضای قجری و فرمول‌های امتحان پس داده با کاراکترها، فضاها، مضامین و بازیگران مشخص در تولیدات پر استقبالی چون بانوی عمارت، شب دهم و... که در زمان تولید و پخش، نوآور بودند، امروز چندان جواب نمی‌دهند و لذا باید برای روایت و نمایش عاشقانه‌های جدید، بسترهای تازه تدارک دید. ملودرام عاشقانه تاریخی و اجتماعی و خانوادگی «گیلدخت»، اثری خوش ساخت با متنی قوی و بازی‌های درخشان بازیگرانش از جمله سعید راد، محمود پاک نیت، ثریاقاسمی، میترا رفیع و... و کارگردانی خوب، موسیقی و طراحی‌های مناسب لباس و صحنه، چهره‌آرایی، تیتراژ و تصویربرداری، دیدنی است و پرداخت سنجیده هنری، حوادث و رخدادهای آن، باورپذیر و مقبول است و مخاطبان فراوان دارد و در پرونده سریال‌های تلویزیون، جایگاهی مطلوب و نمره‌ای خوب می‌یابد. با این همه، لازم است که داستان گلنارها و اسماعیل‌های امروز در شرایط و دغدغه‌ها و تضادها و تقابل‌های امروز به تصویر کشیده شود و حرف‌ها و پیام‌های انسان‌ها و جوانان و عاشقانه‌های امروز در سریال‌ها نقش ببندند.

چند قرن بیمه‌گری نیم قرن نظارت

ادامه از صفحه اول

کاهش دغدغه‌های دولت برای مهار بحران بلایای طبیعی و حرکت به سمت بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های بیمه‌ای در قالب طراحی محصولات جدید و همچنین راه‌اندازی صندوق‌های ویژه از دیگر برنامه‌های در دست برنامه‌ریزی و اجرای نهاد ناظر صنعت بیمه به شمار می‌رود. مسأله دیگری که اقتصاد کشور و به تبع آن معیشت آحاد مختلف جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کند تحریم‌های ظالمانه و به دور از منطق انسانی است که بر مردم سرزمین ما تحمیل شده و صنعت بیمه برای مقابله و مهار آن برنامه‌های متنوعی را تدارک دیده است. آرایش نهاد ناظر صنعت بیمه در تعاملات بین‌المللی به گونه‌ای است که در حال حاضر اغلب ریسک‌های مهم در کشور بدون پوشش بیمه‌ای وجود ندارد و در ضمن برای فرصت سازی‌های پس از تحریم‌ها هم طراحی ویژه‌ای داریم که در وقت مناسب به آن خواهیم پرداخت.

صنعت بیمه بیش از آنکه به تحسین و تقدیر نیاز داشته باشد محتاج نقدهای سازنده و منتقدان دلسوز است که با جمع بندی و تحلیل آن در اتاق‌های فکر تخصصی در نهایت بهترین تصمیم‌ها برای این صنعت اتخاذ شود. برای صیانت و پرهیز از هدررفت منابع، راهکارهایی برای صیانت از دارایی‌ها و سرمایه‌های صنعت بیمه اندیشیده شده که طرح‌هایی مانند کاستن از میزان عوارض بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری هوشمند و پیشگیری از تخلفات و تقلبات بیمه‌ای از آن جمله به حساب می‌آید. روز ملی بیمه، بهانه شیرینی است که می‌تواند نام آرامش‌بخش‌ترین صنعت جهان را در سطح جامعه مطرح کند و ایران عزیز را یک گام بلند به جنبش همگانی‌سازی محصولات و خدمات بیمه‌ای نزدیک‌تر کند.

هنوز و همواره بر این باورم که شناخت بیشتر مسئولان و مردم از صنعت بیمه می‌تواند گرد مظلومیت را از چهره این صنعت پاک کرده و به بازیابی جایگاه آن در اقتصاد کلان کمک کند. نهاد ناظر صنعت بیمه در راستای مأموریت مهم «تعمیم امر بیمه» که در قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری به آن تأکید شده به همراهی تمامی مؤسسات، شرکت‌ها و فعالان صنعت بیمه، دست تمامی بیمه باوران و بیمه یاوران به خصوص رسانه‌های خدوم کشور را می‌فشارد و آمادگی خود را برای هرگونه هم اندیشی و هم افزایی با اهالی کلمه و اصحاب رسانه اعلام می‌دارد.

عکس نوشت

اسوالد خرگوش خوش شانس پس از ۹۰ سال دوری از دنیای والت دیزنی، در یک فیلم کوتاه اصلی در یکصدمین سالگرد تأسیس والت دیزنی باز می‌گردد. در این فیلم کوتاه که برای ۲۰۲۳ اکران خواهد شد، اسوالد وارد یک سالن نمایش محلی می‌شود تا پای تماشای نمایشی با بازی خودش باشد و از آن لذت ببرد و... اسوالد خرگوش خوش شانس نام یکی از نخستین شخصیت‌های کارتونی والت دیزنی است. این خرگوش کارتونی که در سال ۱۹۲۷ توسط والت دیزنی و آب آیورکس خلق شد، شخصیتی است که حدود یک سال بعد به میکی ماوس، مشهورترین شخصیت دیزنی تبدیل شد. اسوالد در بازی حماسه میکی نقش دوم را داشت. /ایرنا

آلودگی هوا

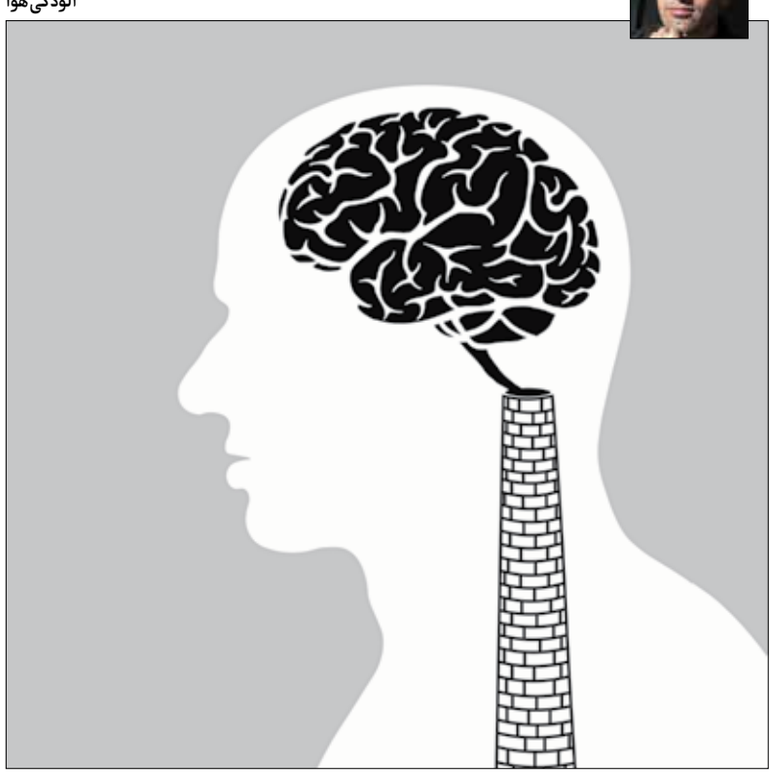

نگاره
حمید صوفی

هنرمندان در فضای مجازی

انتشار شایعه‌ای درباره درگذشت بازیگر سینما و تلویزیون کشورمان، حضور ستاره مشهور سینمای هند در عربستان و انتشار تصویری از وی در حال زیارت خانه خدا و بازنشر مجدد کتابی درباره تاریخ سرزمین‌مان ازجمله مطالبی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

■ تکذیب یک شایعه!

ابوالفضل پورعرب بازیگر سینما و تلویزیون از آن دسته هنرمندانی است که هر از چند گاهی انتشار خبرهای جعلی گریبانش را می‌گیرد، جمعه‌ای که گذشت خبرهای مختلفی مبنی بر این منتشر شد که وی بر اثر سرطان درگذشته است. خبری که مشابه آن کمتر از یک ماه قبل هم منتشر شده و به سرعت هم تکذیب شده بود. با این حال گویا برخی سایت‌ها و کانال‌های خبری همچنان صحت مطالب خود را فدای سرعت انتشارشان می‌کنند! در پی انتشار خبر غیررسمی درگذشت این بازیگر ۶۱ ساله، نگرانی‌هایی درباره وضعیت سلامت ابوالفضل پورعرب به‌وجود آمد. آنچنان که برخی اهالی رسانه حالش را جویا شدند. در همین خصوص ایرنا به نقل از فرزند پورعرب نوشته: «حال عمومی پدرم خوب است و آنچه مطرح شده شایعه‌ای بیش نیست. این اخبار تماماً کذب بوده و این بازیگر پیشکسوت در انتظار عمل پا بسر می‌برد.» پورعرب مدتی قبل مشغول کارگردانی یک مستند داستانی به نام «سگ» بود که از ناحیه پا دچار حادثه شد و در ادامه، عفونت در بدنش به وجود آمد که همچنان مراحل درمان آن را طی می‌کند. علی تقی‌پور، تهیه‌کننده مستندی که پورعرب در حال ساخت آن بوده نیز در همین زمینه به ایسنا گفته: «حال عمومی آقای پورعرب خوب است و فعلاً در بیمارستان بستری هستند. آزمایش‌هایی از ایشان گرفته شده تا شرایط برای جراحی روی پا بررسی شود و با تثبیت وضعیت، عمل جراحی در روزهای آینده انجام خواهد شد.»

■ حضور شاهرخ‌خان در مکه

حضور شاهرخ‌خان در عربستان توجه علاقه‌مندانش را برانگیخته است، این ستاره سینمای هند پس از پایان فیلمبرداری فیلم جدیدش در کشور عربستان به زیارت خانه خدا در شهر مکه رفت. پس از اینکه شاهرخ‌خان هنرپیشه مطرح بالیوودی اعلام کرد که فیلمبرداری فیلم «Dunki» به کارگردانی «راجکومار هیرانی» در عربستان به پایان رسیده، تصاویری از این ستاره هندی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که وی را در شهر مکه و در حین ادای حج عمره نشان می‌دهد. شاهرخ‌خان پیش از این، با انتشار ویدیویی از وزارت فرهنگ عربستان سعودی به‌خاطر لوکیشن دیدنی و میهمان‌نوازی گرم از آنها در طول فیلمبرداری فیلم «Dunki» تشکر کرده بود. این فیلم قرار است در سال آینده میلادی اکران شود. فیلم «Pathaan» نیز با بازی شاهرخ‌خان آماده اکران است و طبق برنامه از ۲۵ ژانویه ۲۰۲۳ در سینماها عرضه می‌شود. افزایش سالن‌های سینمایی، اکران آثار روز سینمای جهان، برپایی جشنواره فیلم دریای سرخ با حضور فیلم‌ها و سینماگران سرشناس جهان و ایجاد مشوق برای فیلمبرداری آثار سینمایی در خاک عربستان، از جمله برنامه‌های سعودی‌ها برای تقویت سینما در این کشور عربی است.

■ کشف پرتره مومیایی‌ها

باستان‌شناسان، یک بنای خاکسپاری عظیم را که تصویر متوفیان روی آن نقش بسته بود در محوطه باستان‌شناسی «جارزا» در کشور مصر کشف کردند. این بنا که به دوران «بطلمیوسی مصر» تعلق دارد در محوطه‌ای کشف شده است که باستان‌شناسان، کاوش در آن مکان را از سال ۲۰۱۶ آغاز کرده‌اند. این بنا در ۸۰ کیلومتری جنوب قاهره قرار دارد و در قرن سوم پیش از میلاد ساخته شده است.

این بنای خاکسپاری با استفاده از تکه سنگ‌های بزرگ ساخته شده است و چندین طبقه زیرزمینی را شامل می‌شود. مجموعه‌ای از درهایی طاق‌دار به تالارهای خاکسپاری منتهی می‌شود که در برخی از آنها تابوت‌های چوبی پرنقش و نگار با عبارات حکاکی‌شده مصری و یونانی وجود دارد. قابل‌توجه‌ترین اکتشاف این کاوش در حقیقت مجموعه‌ای از پرتره‌های بسیار سالم است. این پرتره‌ها که با نام پرتره‌های مومیایی نیز شناخته می‌شوند، تصاویر دقیقی از متوفیان است که مستقیماً روی تابوت‌های چوبی نقاشی می‌شدند. نقاشی کردن چهره متوفیان روی تابوت از دوران رومی مصر (۱۰۰سال پیش از میلاد) آغاز شد. این تصاویر قابل‌توجه در سبک‌های مختلفی خلق می‌شدند و اکنون شاخصه این دوره از تاریخ مصر محسوب می‌شوند. موزه‌های مختلفی در سراسر جهان، خانه این تابوت‌های چوبی نقاشی‌شده هستند. این نخستین کشف بزرگ پرتره‌های فایوم مومیایی در بیش از یک قرن گذشته است. پیش‌تر «فلندرز پتری»، باستان‌شناس بریتانیایی با کاوش در «هواره» مجموعه‌ای از این آثار تاریخی را در سال ۱۸۸۷ میلادی خلق کرده بود. «وون کافمان». باستان‌شناس آلمانی. نیز در سال ۱۹۱۰ آثار مشابهی را کشف کرده بود.

■ کتابی برای تاریخ‌دوستان

برای علاقه‌مندان تاریخ، بویژه آنهایی که در حوزه‌های مرتبط با کشورمان مطالعه می‌کنند انتشارات علمی و فرهنگی به تازگی چاپ بیست و چهارم کتاب «ایران از آغاز تا اسلام» را روانه کتابفروشی‌ها کرده است. این نوشته رومن گیرشمن با ترجمه محمد معین مشتمل بر شش فصل «ماقبل تاریخ»، «ورود ایرانیان»، «شرق ضد غرب»، «غرب ضد شرق و عکس‌العمل مشرق» و «توسعه تمدن ایرانی» است. نویسنده در این کتاب کوشیده است گذشته ایران را از حدود ۱۵هزار سال قبل از مسیح تا ورود اعراب شرح دهد. وی در این اثر از اقوام و ملل غیرآریایی: سومریان، اکدیان، بابلیان، آشوریان، عیلامیان، یهودیان، یونانیان، رومیان و چینیان به عنوان اقوام نخستین سخن گفته و همچنین خواننده را با اقوام و خاندان آریایی همچون سکاییان، مادها، پارسیان، پارتیان، ساسانیان، کوشانیان و هندوان آشنا کرده است.